
تأملی در باب عنوان درایة الحدیث

سید کاظم طباطبایی*
علیه رضاداد**

◀ چکیده:

ضرورت به کارگیری اصطلاحات و ادبیات یکسان در عرصه علوم اسلامی و به ویژه در حدیث شناسی، یکی از موضوعاتی است که دانشمندان مسلمان از آن غفلت کرده اند. در این میان، علم درایة الحدیث با نام های گوناگونی نظیر «اصول الحدیث»، «مصطلح الحدیث» و «قواعد الحدیث» شناخته شده است. این عناوین بیشتر در میان کتاب های عامه رواج داشته، و منابع شیعی بیشتر اصطلاح درایة الحدیث را به کار گرفته اند. آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته، به طور عمده پیرامون این محورهاست:

نخست اینکه موضوع علم درایة الحدیث با توجه به آثار نگاشته شده در این علم چیست؟ کدام عنوان برای معرفی این علم مناسب تر است؟ آیا واضح اصطلاح درایة الحدیث، شهید ثانی است یا وی این اصطلاح را از دیگران وام گرفته است؟ مقاله حاضر با هدف پاسخ به پرسش های فوق سامان یافته است و در نتیجه معلوم می شود که موضوع این علم سند حدیث است؛ شهید ثانی برخلاف آنچه مشهور است، واضح این عنوان نیست و در نهایت عنوان مناسب برای این علم را «مصطلح الحدیث» معرفی می کند.

◀ کلیدواژه ها:

علم الحدیث (حدیث شناسی)، درایة الحدیث، مصطلح الحدیث، زین الدین بن علی ملقب به شهید ثانی.

* استاد دانشگاه فردوسی مشهد / tabatabaei@um.ac.ir

** دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد / rezadad@gmail.com

درآمد

بی‌تردید یکی از مسائل علمی که در هر عرصه باید مورد توجه دانشمندان آن علم قرار گیرد، بهره‌گیری از ادبیات و اصطلاحاتی یکسان است تا باعث تشویش فکر دانش‌پژوهان آن حوزه نگردد. مسئله‌ای که در علوم ریاضی و تجربی بدان توجه شده و معمولاً وجود دارد، اما در عرصه علوم انسانی و به‌ویژه علوم اسلامی دانشمندان از آن غفلت کرده‌اند. مثلاً در حوزه حدیث‌پژوهی، یکی از مهم‌ترین شاخه‌ها در هندسه دانش‌های حدیثی، علم درایة الحدیث است. این علم در گذر زمان، تطوّر بسیاری از نام‌ها را دربرگرفته و همواره دستخوش تغییر و اختلاف نظر بوده است، چنان‌که با نگاهی بر سیر تاریخی این علم درمی‌یابیم به طور عمده بدین نام‌ها مشهور بوده است: «اصول الحدیث»، «مصطلح الحدیث»، «قواعد الحدیث» و «درایة الحدیث» (ر.ک: فضلی، ۱۴۲۱ق، ص ۹) و کتاب‌های مستقلی نیز بدین نام‌ها نگاشته شده است. (ر.ک: ادامه مقاله) از لحاظ محتوا نیز برخی این علم را ناظر بر سند حدیث، گروهی ناظر بر متن حدیث و گروهی سند و متن را توأمان لحاظ کرده‌اند. (ر.ک: ادامه مقاله)

حال از عنوان تا موضوع این علم و مسائل موجود در آن، همه درگیر این تشوّت آراست؛ و برای آنکه حدیث‌پژوه مراد از یک اصطلاح را دریابد، باید ابتدا سؤالات مطرح در ذهن خود را پاسخ گوید که دقیقاً مراد او از این مطلب چیست، و زوایای آن تا کجاست؛ مثلاً درباره حدیث صحیح بگوید که حدیث صحیح طبق کدام اصطلاح؟ مطابق با اصطلاح اهل سنت یا مطابق با اصطلاح شیعه؟ مطابق با نظر قدمای شیعه یا متأخران آنان؟ یا فراتر از آن حدیث صحیح طبق تعریف کدام یک از دانشمندان؟!

این مقال، تنها نقد عنوان درایة الحدیث را مدّ نظر قرار داده و در صدد است تا به پرسش‌هایی از این قبیل پاسخ گوید: این علم از چه زمان با عنوان درایة الحدیث نامبردار شد؟ واضع این اصطلاح چه کسی بود؟ با وجود عناوینی چون علم الحدیث، قواعد الحدیث، اصول الحدیث و مصطلح الحدیث، وضع و به کارگیری این عنوان از چه ضرورت یا مصلحتی پیروی می‌کند؟ محتوای این علم با توجه به آثار نگاشته شده چیست؟ و در نهایت کدام عنوان در معرفی این علم، با عنایت به محتوای آثار، شایسته‌تر است؟

درایه در لغت

درایه در لغت از مصدر «دری»، «بدری»، «درایة» به معنای علم است. (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۴، ص ۲۵۴) گروهی آن را مترادف با علم، و برخی علمی که مسبوق به شک باشد، دانسته و لذا آن را اخص از علم می‌دانند. (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۴۰۳)

موضوع درایة الحدیث

ماده «دری» در معنای لغوی آن در روایاتی نظیر: «حدیث تدریه خیر من ألف حدیث ترویه» (ابن بابویه، ۱۳۶۱ش، ص ۲)، «...فإن المعرفة هی الدراية للرواية و بالدرايات یعلو المؤمن إلى أقصى درجات الإیمان» (همان، ص ۱) و «علیکم بالدرايات لبالروایات» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۶۰) به کار رفته است.

این واژه در عصر حضور معصومان علیهم‌السلام به مفهوم فهم عمیق روایات بوده، و در مقابل روایت حدیث که به معنای صرف نقل حدیث بوده، به کار رفته است. این معنا از درایة الحدیث، امروزه با عنوان «فقه الحدیث» نامبردار گردیده و به معنای مجموعه دانش‌ها و راهکارهایی است که به فهم عمیق‌تر حدیث کمک می‌کنند. (ر.ک: سلیمانی، ۱۳۸۱ش، ص ۵۲-۵۵)

پس از گذر از عصر حضور، این اصطلاح بیشتر معطوف به سندشناسی شد و به عنوان علم مستقلی در مجموعه دانش‌های حدیثی مورد توجه قرار گرفت (ر.ک: همان، ص ۵۶-۵۵)، زیرا نخستین گام برای شناخت حدیث، صحت انتساب آن به معصوم علیه‌السلام بود. از این رو، علم درایه بیشتر به اصطلاحات مرتبط با سند احادیث می‌پرداخت.

از این رو، موضوع علم درایه با گذر از عصر معصومان علیهم‌السلام از متن به سند تغییر یافت، و امروزه به اتفاق همه حدیث‌پژوهان موضوع آن سند حدیث است (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۵۴)؛ اگرچه بنا بر نظر برخی، متن حدیث را نیز شامل می‌شود. (شهید ثانی، ۱۴۰۸ق، ص ۴۵ / شیخ بهایی، ۱۳۲۱ش، ص ۴)

در مقام داوری میان این دو نظریه، شاید بتوان گفت که دیدگاه شیخ آقا بزرگ تهرانی، با عنایت به آثار نگاشته شده در این فن، مقرون به صحت باشد، زیرا چه بسا

در یک تقسیم‌بندی کلی بتوان مجموعه مسائل مطرح در کتاب‌های درایی را این‌گونه سامان داد:

الف. اصطلاحات مقدماتی (مانند حدیث، اثر، خبر)؛

ب. اصطلاحات مربوط به روایت (مانند حافظ، شیخ، مولی، مخضرم)؛

ج. اصطلاحات مربوط به روایت که دارای اقسام متعددی است:

- اصطلاحات مربوط به یقین آور بودن و نبودن روایت (مانند خبر متواتر، خبر

واحد)؛

- تقسیم‌بندی بر اساس اوصاف راویان (مانند: حدیث صحیح، حسن، موثق و ضعیف)؛

- تقسیم از نظر تعداد راویان (مانند: مستفیض، عزیز)؛

- تقسیم‌بندی از نظر اتصال و انقطاع سند (مانند مسند، متصل، مرسل، معلق، منقطع)؛

- تقسیم از نظر انتساب به آخرین گوینده (مانند حدیث قدسی، مرفوع، موقوف،

مقطوع)؛

- تقسیم حدیث بر اساس تغییراتی که در متن یا سند آن رخ داده است (مانند مدرج،

مقلوب، مصحف، محرّف، مضطرب، موضوع)؛

- تقسیم بر مبنای تعداد واسطه‌ها تا معصوم علیه السلام (مانند عالی، نازل)؛

- تقسیم بر اساس سن راویان (روایة الأقران، مدبّج، روایة الأكابر عن الأصاغر)؛

- تقسیم‌بندی از نظر تشابه نام راویان (مشترک، متّفق، مفترق، متشابه السند، مؤتلف،

مختلف)؛

- تقسیم بر اساس شباهت‌های مکرّر در سند حدیث (مسلسل، مؤنّن، معنعن)؛

- تقسیم بر اساس حالات وارد بر متن روایت (مانند نص، ظاهر، مؤول، مجمل،

میّین، ناسخ، منسوخ، محکم، متشابه، عام، خاص، مطلق، مقید).

د. اصطلاحات مربوط به طرق تحمّل حدیث. (برای آشنایی با گونه‌ای دیگر از

تقسیم‌بندی ر.ک: مؤدب، ۱۳۸۴ش، سراسر اثر)

چنان‌که ملاحظه می‌شود در بین تقسیم‌بندی‌های مطرح در کتاب‌های درایی، تنها یک

قسم (تقسیم بر اساس حالات وارد بر متن روایت) به طور مستقیم مربوط به متن حدیث

تأملی در باب عنوان درایة الحدیث □ ۵۹

می‌شود؛ البته به نظر می‌رسد آن هم از مبحث الفاظ علم اصول، در علم درایه وارد شده است (ر.ک: علم الهدی، ۱۳۴۶ش، ج ۱، سراسر اثر) و یک مورد دیگر نیز (تقسیم حدیث بر اساس تغییراتی که در متن یا سند آن رخ داده است) به صورت مشترک میان متن و سند است. بر این اساس، هدف اصلی این علم همان حالات عارض بر سند حدیث است. بنابراین اگرچه محققانی همچون شهید ثانی و شیخ بهایی، متن حدیث را نیز در تعریف لحاظ کرده‌اند، همچنان‌که عبدالهادی فضل‌ی نیز گفته است (۱۳۱ق، ص ۱۳)، تعریف شیخ آقا بزرگ تهرانی به مسائل مطرح در این علم نزدیک‌تر است. بنابراین به‌جاست در تعریف از علم درایه به همان گفته شیخ آقا بزرگ استناد گردد، و حالات عارض بر متن حدیث به همان مبحث الفاظ از علم اصول و یا در حوزه حدیث پژوهی به علم فقه الحدیث که شاخه مجزاً از درایة الحدیث است، و موضع آن به‌طور ویژه متن حدیث است (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۵۴) واگذار گردد.

واضع اصطلاح درایة الحدیث

بنا بر آنچه مشهور است، نخستین کسی که در محافل علمی شیعه، اصطلاح درایة را برای حدیث‌شناسی به کار برد، شهید ثانی (د ۹۶۵ق) است. (حرّ عاملی، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۸۶) نخستین اثر وی در این زمینه، غنیة القاصدین فی معرفة اصطلاحات المحادثین است که البته در دسترس نیست. وی سپس کتاب البدایة را که نخستین کتاب شیعی موجود در این علم به‌شمار می‌رود، تألیف کرد و خود شرحی با عنوان الرعایة بر آن نوشت.

البته پیش از این، گروهی از دانشمندان عامه، آثاری در این علم نگاشته بودند، نظیر المحدث الفاصل بین الراوی و الراوی اثر قاضی ابومحمد حسن بن عبدالرحمن رامهرمزی (د ۳۶۰ق)، معرفة علوم الحدیث یا أصول علم الحدیث نگاشته حاکم نیشابوری (د ۴۰۳ یا ۴۰۵ق)، الکفایة فی قوانین الروایة اثر خطیب بغدادی (د ۴۶۳ق)، الإلماع فی ضبط الروایة و تفتیح الأسماء از قاضی عیاض بن موسی یحصبی (د ۵۴۴ق)، مقدمه ابن الصلاح فی علوم الحدیث اثر ابوعمرو عثمان بن عبدالرحمن شهرزوری (د ۶۴۳ق)، التقریب و التیسیر لمعرفة سنن البشیر النذیر اثر یحیی بن شرف نووی (د ۶۷۶ق)، الباعث الحثیث از

ابوالفداء اسماعیل بن کثیر (د ۷۷۴ ق)، *نخبة الفكر فی مصطلح أهل الأثر* نوشته ابن حجر عسقلانی (د ۸۵۲ ق) و *تدریب الراوی اثر جلال الدین سیوطی* (د ۹۱۱ ق).
اما چنان که مشهود است، ایشان نام کتاب خود را درایه ننماید و در آثار خویش نیز بدین نام اشاره‌ای نکرده‌اند.

آنچه امروزه سبب گشته تا شهید ثانی را واضع این اصطلاح بدانند، این است که نام کتاب وی را *البدایة فی علم الدرایة* گفته‌اند. توجه به این نکته بسیار راهگشاست که این عنوان دقیقاً همان است که مؤلف برگزیده یا دیگران عنوان «البدایة» را برای کتاب انتخاب و سپس «فی علم الدرایة» را به آن افزوده‌اند. آن طور که مثلاً در مورد مجمع *البیان* ملاحظه می‌شود، مؤلف در مقدمه به صراحت می‌گوید: «سمیته کتاب مجمع البیان لعلوم القرآن» (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۵)، اما روی جلد کتاب عنوان *مجمع البیان فی تفسیر القرآن* را نوشته‌اند!

با این توضیح، حال پرسش این است که آیا شهید ثانی خود اثرش را چنین نام نهاده است؟ آیا پیش از شهید ثانی کسی این اصطلاح را در خصوص این علم به کار برده است؟ و دیگر اینکه واضع این اصطلاح چه کسی است؟

در این خصوص، آنچه مسلم است اینکه بر خلاف نظریه مشهور، شهید ثانی این اصطلاح را وضع نکرده است. برخی دلایلی که در این خصوص می‌توان بیان کرد عبارت‌اند از:

۱. پیش از شهید ثانی، علی بن عبدالحمید حسینی نجفی، شاگرد علامه حلی و ابن فهد حلی در قرن هشتم، کتاب *شرح اصول درایة الحدیث* را نوشته است. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۳، ص ۹۴)

۲. پس از وی، نورالدین علی بن حسین کرکی (د ۹۴۰ ق) کتابی با عنوان *درایة الحدیث* نوشت. (همان، ج ۸، ص ۵۵)

۳. شهید ثانی پیش از *البدایة*، کتاب *غنیة القاصدین فی معرفة اصطلاحات المحدثین* را نگاشته است و در واقع این علم را با همان عنوان *مصطلح الحدیث* معرفی کرده است.

تأملی در باب عنوان درایة الحدیث □ ۶۱

۴. ظاهراً شهید ثانی، اسمی برای کتاب *البدایة* در نظر نگرفته است (عبدالعلی زاده، ۱۴۲۴ق، ص ۱۱۲)؛ اگرچه شاید بتوان گفت شهید ثانی با عبارت «نحمدک اللهم علی البدایة فی الدراية و الروایة، و نسألک حسن الرعاية الى النهاية» (۱۴۲۴ق، ص ۱۲۱) و نیز «نحمدک اللهم علی حسن توفیق البدایة فی علم الدراية و الروایة» (۱۴۰۸ق، ص ۴۵)، به دقت و با زیبایی عنوان «البدایة» را برای این کتاب در نظر گرفته است. البته باید توجه داشت که وی، درایت و روایت را توأمان به کار برده است، و ظاهراً همان معنا از درایت و روایت را مد نظر داشته است که در احادیث همراه یکدیگر به کار رفته است، بنابراین برخلاف آنچه شهرت یافته، عنوان کتاب *البدایة فی علم الدراية* نیست.

تنها در نسخه خطی موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۷۳۲۵، به خط شهید ثانی، نام کتاب سوم وی در علم درایه چنین آمده است: *الرعاية لحال البدایة فی علم الدراية*. (عبدالعلی زاده، ۱۴۲۴ق، ص ۱۱۳) نیز فرزند شهید ثانی در *معالم السدین*، کتاب *الرعاية* را در علم درایه معرفی کرده است. (بی تا، ص ۱۷۶)

۶. شهید ثانی *الرعاية* را که شرحی بر *البدایة* بوده، در سال ۹۵۹ هجری قمری تمام کرده است. (۱۴۰۸ق، ص ۴۰۴) بنابراین به احتمال زیاد، محقق کرکی پیش از شهید ثانی، عنوان درایة الحدیث را به کار برده است، زیرا همان گونه که گفتیم، محقق کرکی متوفای سال ۹۴۰ هجری قمری است، و شهید در سال ۹۳۳ هجری قمری، شاگردی محقق کرکی را می کرده است. (شهید ثانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۳)

اگر نگاهی به گاهشماری آثار شهید ثانی بیفکنیم، *الرعاية* جزء آخرین تألیفات وی به شمار می رود؛ برای نمونه، تاریخ فراغت از نگارش برخی از آثار وی که خود به آنها اشاره کرده، عبارت اند از: *الإقتصاد و الإرشاد إلى طريقة الإجتهد فی معرفة الهدایة و المعاد و أحكام العباد* سال ۹۴۱ق (۱۴۰۹ق، ص ۲۶۹)، *كشف الریبة عن احکام الغیبة* سال ۹۴۹ق (بی تا، ص ۳۳۳)، *نتائج الأفكار فی حکم المقیم فی الأسفار* سال ۹۵۰ق (بی تا، ص ۱۹۶)، *أسرار الصلاة* سال ۹۵۱ق (بی تا، ص ۱۶۷)، *منية المرید فی أدب المفید و المستفید* سال ۹۵۴ق (۱۴۰۹ق، ص ۶۷)، *مسکن الفؤاد* سال ۹۵۴ق (۱۴۰۷ق، ص ۱۱۹)، *حقائق الإیمان* سال ۹۵۴ق (۱۴۰۹ق، ص ۱۶۴)، *الحبوة و أحكامها* سال ۹۵۶ق (بی تا، ص ۲۵۳)، *میراث*

الزوجة سال ۹۵۶ ق (بی تا، ص ۲۸۲)، الروضة البهية شرح اللمعة الدمشقية سال ۹۵۷ ق (۱۴۱۰ق، ج ۱۰، ص ۳۲۹)، وجوب صلاة الجمعة سال ۹۶۲ ق (بی تا، ص ۹۷)، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام سال ۹۶۴ ق. (۱۴۱۶ق، ج ۱۵، ص ۵۳۲)

۷. هنگامی که شهید ثانی می نویسد: «فهذا مختصر فی علم درایة الحدیث.» (۱۴۲۴ق، ص ۱۲۱) اگر این اصطلاح مسبوق به سابقه نباشد، برای خواننده درک آن مفهوم امکان ندارد، و شایسته بود که شهید ثانی توضیحی برای این اصطلاح مطرح می کرد. تنها جمله ای که در دنباله این عبارت آمده، «بیان مصطلحاتهم» (همان جا) است یعنی باز هم تأکید بر مصطلحات حدیث است.

۸. به نظر می رسد شهید ثانی با توجه به تعریفی که در منیة المرید از روایت و درایت حدیث کرده، عنوان درایة الحدیث را درباره متن حدیث در نظر گرفته است؛ اگرچه به تبع آن، سند حدیث نیز برای دریافت بهتر متن مورد نظر قرار می گیرد. عبارت شهید چنین است: «وأما علم الحدیث: فهو أجل العلوم قدرا وأعلاها رتبة وأعظمها مثوبة... و هو ضربان: روایة، و درایة.

فالأول: العلم بما ذكر.

والثانی: - و هو المراد بعلم الحدیث عند الاطلاق- و هو علم يعرف به معانی ما ذكر، و متنه و طرقه و صحیحه و سقیمه، و ما یحتاج إلیه من شروط الروایة. و أصناف المرویات، لیعرف المقبول منه والمردود، لیعمل به أو یجتنب. و هو أفضل العلمین، فإن الغرض الذاتی منهما هو العمل، والدرایة هی السبب القریب له.» (۱۴۰۹ق، ص ۳۷۰)

اما بعد از وی، عالمان دیگر با عنایت به آثار متعدد شهید ثانی در این علم، و عنایت ویژه وی در این آثار به مقوله سندشناسی، این اصطلاح را برای ارزیابی سند حدیث به کار بردند. هم چنان که شیخ بهایی در تعریف درایة الحدیث آورده است: «هو علم یبحث فیه عن سند الحدیث و متنه و کیفیة تحمله و آداب نقله.» (۱۳۲۱ش، ص ۴)

۹. حاجی خلیفه (م ۱۰۶۵) در كشف الظنون از علوم حدیث، دو علم روایة الحدیث و علم درایة الحدیث را نام برده، و سپس این دو علم را شامل فروعاتی دانسته است. (بی تا، ج ۱، ص ۱۶) پس شاید این اصطلاح برگرفته از منابع عامه باشد.

تأملی در باب عنوان درایة الحدیث □ ۶۳

۱۰. حاجی خلیفه سپس در معرفی علم اصول الحدیث می‌نویسد: «به این علم درایة الحدیث نیز گویند، اما اصطلاح اصول الحدیث مشهورتر است، و ما آن را در حرف دال به سبب به کارگیری این اصطلاح درباره معنا ذکر کردیم.» (همان، ص ۱۰۹)

پس احتمال اینکه این اصطلاح در بین اهل سنت قبلاً وضع شده باشد، و سپس شهید ثانی از باب مخالفت و تمایز با اهل سنت اصطلاحی را به کار گرفته باشد، که نزد آن‌ها شهرتی ندارد، قوت می‌یابد.

شاهد دیگر بر این مدعا کتاب *الألفیة فی درایة الحدیث* از سیوطی (م ۹۱۱ ق) است. (آقا بزرگ تهرانی، بی تا، ص ۱۹)

ضمن آنکه همان‌گونه که فرزند شهید ثانی (۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۱۰) و برخی دیگر از دانشمندان (حرّ عاملی، ۱۳۶۲ق، ج ۱، ص ۸۶) اشاره کرده‌اند، اصطلاحات کتاب‌های درایی شهید ثانی مأخوذ از اصطلاحات عامه است. لذا احتمال به کارگیری اصطلاح درایه برای این علم که پیش از آن از سوی دانشمندان عامه به کار گرفته شده اما شهرت نیافته، قوت می‌یابد.

۱۱. بر فرض آنکه بپذیریم شهید ثانی واضع این اصطلاح است، گویا وی با به کارگیری این واژه برای علم مصطلح الحدیث، می‌خواسته بیان کند حدیث درخور درایت، حدیثی است که این ویژگی‌ها را در بر داشته باشد، زیرا حدیثی که این ویژگی‌ها را دارا نباشد، بهره‌مند از درایت نخواهد بود و شهید با بیان عبارت «و مرید روایة حدیث ضعیف او مشکوک فی صحته بغیر اسناد یقول: روی او بلغنا و نحوه...» (۱۴۰۸ق، ص ۱۶۵) حدیث ضعیف را تنها بهره‌مند از روایت دانسته است. در واقع، شهید ثانی از وضع این اصطلاح، غایت را که همان فهم حدیث است، در نظر داشته است. به قول عبدالهادی فضلّی، درایت در مقابل روایت قرار گرفته است؛ بدین ترتیب که روایت مجرد نقل حدیث است، در حالی که درایت، بررسی نقادانه حدیث است تا از این رهگذر معلوم شود که آیا حدیث از معصوم صادر شده است یا نه. (۱۴۲۱ق، ص ۱۰) ضمن آنکه اگر با نگاه فقه الحدیثی، مجموعه‌ای از روایات هم‌خانواده را در نظر

بگیریم، روایات «درایت، روایت و رعایت» بی ارتباط با مقولۀ وضع و جعل حدیث نیست. (ر.ک: محمدی ری شهری، ۱۳۶۱ق، ج ۱، ص ۵۴۷-۵۴۹)

نتیجه گیری

اینک پس از بررسی منابع به این نتیجه می رسیم که:

الف. موضوع علم درایة الحدیث اختصاص به سند حدیث دارد، و متن حدیث را باید در فقه الحدیث مورد بررسی قرار داد؛ اگرچه غایت بررسی سند را می توان دستیابی به متن حدیث به شمار آورد.

ب. مکتب شهید ثانی، نخستین مکتبی نیست که از این علم با عنوان درایه سخن گفته است، چه بسا پیش از او، عالمان دیگر شیعی نظیر محقق کرکی به تفصیل بدان پرداخته و شهید ثانی که نزد ایشان تلمذ کرده، این مطالب را از آنان برگرفته باشد، اما چون آثار دیگر عالمان در این زمینه از میان رفته، واضح این اصطلاح را شهید ثانی معرفی می کند. ضمن آنکه همان گونه که اصطلاحات علم درایه در منابع عامه آمده و بسیاری از آنها مأخوذ از آثار ایشان است، چه بسا خود اصطلاح درایة الحدیث هم عنوانی باشد که از آثار آنان اقتباس شده باشد.

ج. با عنایت به محتوای آثار نگاشته شده در درایة الحدیث، و نیز هدف شهید ثانی از به کارگیری این واژه، شایسته تر است این علم با همان عنوان «مصطلح الحدیث» معرفی شود. ضمن آنکه معرفی این علم با عنوان درایة الحدیث با این مشکل روبه روست که به روشنی با فقه الحدیث خلط و اشتباه می شود. لذا باید تلاش کرد عنوانی که مناسب تر است شناخته و شناسانده شود تا معلّم و متعلّم از سردرگمی در این عرصه رهایی یابد.



منابع

۱. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۲۵۵-۱۳۴۸)؛ *الذریعة الی تصانیف الشیعة*؛ الطبعة الثالثة، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ ق.
۲. _____؛ *ذیل کشف الظنون*؛ ترتیب و تهذیب محمد مهدی سید حسن موسوی خراسان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.

تأملی در باب عنوان درایة الحدیث □ ۶۵

۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۳۱۱-۳۸۱ق)؛ معانی الأخبار؛ تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۳۶۱ش.
۴. ابن شهید ثانی، حسن بن زین الدین (۹۵۹-۱۰۱۱ق)؛ معالم الدین و ملاذ المجتهدین؛ الطبعة التاسعة، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، بی تا.
۵. _____؛ متقی الجمان فی الأحادیث الصحاح و الحسان؛ تصحیح علی اکبر غفاری، الطبعة الاولى، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۳۶۳ش.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۶۳۰-۷۱۱ق)؛ لسان العرب؛ قم: نشر ادب الحوزة، ۱۴۰۵ق.
۷. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (۱۰۱۷-۱۰۶۷ق)؛ کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۰۳۳-۱۱۰۴ق)؛ أمل الآمل؛ تحقیق احمد حسینی، قم: دارالکتاب الإسلامی، ۱۳۶۲ش.
۹. زبیدی، محمد بن محمد (۱۱۴۵-۱۲۰۵ق)؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ تحقیق علی شیری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۱۰. سلیمانی، داود؛ «بررسی نسبت فقه الحدیث با درایة الحدیث»؛ مقالات و بررسیها، شماره ۷۲، زمستان ۸۱.
۱۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۹۱۱-۹۶۶ق)؛ أسرار الصلاة؛ در مجموعه رسائل الشهيد الثاني، قم: منشورات مکتبة بصیرتی، چاپ سنگی، بی تا.
۱۲. _____؛ الإقتصاد و الإرشاد إلى طريقة الإجتهد فی معرفة الهدایة و المعاد و أحكام العباد؛ در مجموعه حقائق الإیمان، تحقیق سید مهدی رجایی، الطبعة الاولى، قم: مؤسسة سید الشهداء، ۱۴۰۹ق.
۱۳. _____؛ البدایة فی علم الدرایة؛ در مجموعه رسائل فی درایة الحدیث، تألیف ابوالفضل حافظیان بابلی، الطبعة الاولى، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۴ق.
۱۴. _____؛ الحبوّة و أحكامها؛ در مجموعه رسائل الشهيد الثاني، با همان مشخصات.
۱۵. _____؛ حقائق الايمان؛ تحقیق سید مهدی رجایی، الطبعة الاولى، قم: مؤسسة سید الشهداء، ۱۴۰۹ق.
۱۶. _____؛ الرعاية فی علم الدرایة؛ تحقیق عبدالحسین محمد علی بقال، الطبعة الثانيه، قم: مکتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۸ق.

۶۶ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۱

۱۷. _____؛ الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية؛ ج ۱، قم: داوری، ۱۴۱۰ ق.
۱۸. _____؛ كشف الریبة عن احكام الغیبة؛ در مجموعه رسائل الشهید الثاني، با همان مشخصات.
۱۹. _____؛ مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام؛ الطبعة الاولى، قم: مؤسسة المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۶ ق.
۲۰. _____؛ مسکن الفؤاد؛ قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۷ ق.
۲۱. _____؛ منیه المرید فی أدب المفید و المستفید؛ تحقیق رضا مختاری، الطبعة الاولى، قم: مکتب الإعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۲۲. _____؛ میراث الزوجه؛ در مجموعه رسائل الشهید الثاني، با همان مشخصات.
۲۳. _____؛ نتائج الأفكار فی حکم المقیم فی الأسفار؛ در همان مجموعه با همان مشخصات.
۲۴. _____؛ وجوب صلاة الجمعة؛ در همان مجموعه با همان مشخصات.
۲۵. شیخ بهائی، محمد بن حسین (۹۵۳-۱۰۳۱ ق)؛ السجیزة فی علم الدرایة؛ تهران: چاپ سنگی، ۱۳۲۱ ش.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن (در حدود ۴۶۸-۴۵۸ ق)؛ مجمع البیان؛ الطبعة الاولى، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ ق.
۲۷. عبدالعلی زاده، علی اوسط؛ مقدمه البدایة؛ در مجموعه رسائل فی درایة الحدیث؛ تألیف ابوالفضل حافظیان بابلی، الطبعة الاولى، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۴ ق.
۲۸. علم الهدی، علی بن حسین (۳۵۵-۴۳۶ ق)؛ الذریعة إلى أصول الشریعة؛ تصحیح و مقدمه و تعلیقات از ابوالقاسم گرگی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۶ ش.
۲۹. فضلی، عبدالهادی؛ أصول الحدیث؛ الطبعة الثالثة، بیروت: مؤسسه ام القرى للتحقیق و النشر، ۱۴۲۱ ق.
۳۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۰۳۷-۱۱۱۱ ق)؛ بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار؛ الطبعة الثانية، بیروت: مؤسسه الوفاء، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۳۱. محمدی ری شهری، محمد؛ میزان الحکمة؛ الطبعة الاولى، قم: دارالحدیث، ۱۴۱۶ ق.
۳۲. مؤدب، رضا؛ علم الدرایة تطبیقی، بررسی تطبیقی اصطلاحات حدیثی شیعه و اهل سنت؛ ترجمه انور رصافی، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴.